

خبر

یک مقام مسئول در شرکت ملی گاز اعلام کرد کویت مقصد احتمالی صادرات گاز ایران

● **ایلنا:**مدیرعامل شرکت مهندسی و توسعه گاز ایران، بعد از عراق و عمان از کویت به‌عنوان مقصد احتمالی بعدی صادرات گاز ایران یاد کرد. به گفته حسن منظررتبی، صادرات گاز به عراق ابتدا از ارقام ۱۰ میلیون مترمکعب شروع می‌شود و در انتها به ۲۵ میلیون مترمکعب در هر محور می‌رسد. وی درباره آخرین وضعیت خط لوله صادرات گاز به عراق گفت: قرارداد صادرات گاز به عراق در دو محور بصره و بغداد منعقد شده و درحال حاضر نیز ما در حال اجرای پروژه‌ها هستیم. منظررتبی، با بیان اینکه بخش مربوط به صادرات گاز بغداد امسال و محور بصره نیز سال آینده نهایی می‌شود، افزود: صادرات به این کشور ابتدا از ارقام ۱۰ میلیون مترمکعب شروع می‌شود و در انتها به ۲۵ میلیون مترمکعب در هر محور می‌رسد و البته بسته به نیاز کشور عراق و توسعه‌ای که ما پله به پله انجام می‌دهیم، احتمال افزایش صادرات نیز وجود دارد.

مذاکرات جدید برای حضور دوباره شل در ایران

● **ایسنا:**مدیرعامل شرکت پتروپارس با اشاره به مذاکره این شرکت با شرکت شل به منظور مطالعه برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفتی، از مذاکره روی مباحث فنی خبر داد. محمدجواد شمس با اشاره به مذاکره شرکت‌های نفتی با شرکت‌های داخلی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفتی در قالب قراردادهای جدید نفتی گفت: پتروپارس تاکنون با شرکت‌های مختلفی مانند شل و یک شرکت ایتالیایی- آلمانی مذاکره‌هایی را برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفتی داشته است. وی با بیان اینکه همه‌اکنون این شرکت‌ها در حال مطالعه بازار ایران هستند، افزود: موفق شديم در یک مورد با آلمانی‌ها توافق‌نامه‌ای را امضا کنیم؛ همچنین با یک شرکت دیگر برای اجرای پروژه در غرب کارون مذاکراتی داشتیم که هنوز به مرحله عملیاتی نرسیده است. مدیرعامل شرکت پتروپارس با اشاره به تولید پایدار فاز ۱۲ پارس جنوبی نیز ادامه داد: اجرای فاز ۱۹ پارس جنوبی در بخش خشکی و تزریق گاز شیرین به شبکه سراسری نیز حاکی از توانمندی شرکت‌های ایرانی در اجرای پروژه‌های نفتی است و همین امر شب شده شرکت‌های خارجی برای اجرای پروژه در صنعت نفت ایران با اعتماد بیشتری به مذاکره با آنها اقدام کنند.

پرواز باوبینگ یا ایرباس از مسکو پترزبورگ به ۳کلان شهر ایران

● شرکت هواییماي «سیبیر» روسیه اعلام کرده است کارهای مقدماتی برای آغاز پروازها را مسکو به چند شهر ایران ازجمله مسیر مستقیم پایتخت این کشور به مشهد با بهترین هوایماها در چارچوب مجوز آژانس فدرال حمل‌ونقل هوایی وزارت راه روسیه آغاز شده است. به گزارش پایگاه خبری وزارت راه و شهرسازی، دو شرکت هواییماي روسی چهار روز پیش مجوز راه‌اندازی ۱۲ پرواز مسافرتی هفتگی به شهرهای تهران، اصفهان و مشهد را دریافت کردند. این اقدام در چارچوب گسترش روابط گردشگری دو کشور صورت می‌گیرد. وزارت حمل‌ونقل روسیه افزون بر «سیبیر» شامل گروه‌های ۷ به شرکت «خطوط هوایی اورال» اجازه داده که به مقاصد تعیین‌شده در ایران پرواز کنند. براساس اعلام این پایگاه خبری، خیرگزاری اسپوتنیک روسیه گزارش داده است: پیش‌تر پیشنهاد پروازهای مستقیم از سوسی برخی شرکت‌های حمل‌ونقل هوایی روسیه از جمله «گروژنی آویا»، «سورنی وتر»، «ویم آویا» و «ایکار» برای برقراری پرواز در مسیر ایران داده شده بود که رد شد. بنا بر گزارش این خبرگزاری، برای دو شرکت «اس‌۷» و «خطوط اورال» سپس از امضای یادداشت تفاهم بین تهران و مسکو در ماه فوریه سال جاری و تمایل به افزایش تا ۲۸ پرواز در هفته، مجوز لازم صادر شد و اکنون توافق‌ها از حرف در حال رسیدن به مرحله عمل است.

بانک جی‌پی مورگان پیش‌بینی کرد افزایش ۴۰۰هزارشکهای تولیدنفت ایران

● **ایسنا:**بانک جی‌پی‌مورگان برآورد خود را از رشد تولید نفت ایران در سه‌ماهه سوم سال جاری میلادی افزایش داد. بانک آمریکایی جی‌پی‌مورگان برآورد خود را از تولید نفت ایران در سه‌ماهه سوم سال جاری میلادی از سه‌میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه در روز به سه‌میلیون و ۹۰۰ هزار بشکه در روز افزایش داد. طبق گزارش هفتگی بازار نفت جی‌پی‌مورگان، تولید نفت ایران تاکنون از برآورد کارشناسان فراتر بوده و در ماه آوریل سال جاری میلادی به سه‌میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه در روز رسیده است. براساس اعلام وزارت نفت، کارشناسان این بانک اعلام کردند ممکن است بخشی از رشد تولید نفت ایران، مربوط به افزودنشدن میعانات نفتی به صادرات نفت ایران باشد. افزایش تزریق گاز به میدان‌های نفتی در پی آغاز تولید گاز از برخی فازهای منطقه پارس جنوبی، از دیگر عوامل مؤثر در رشد تولید نفت ایران بوده است. این کارشناسان همچنین پیش‌بینی کردند احتمال استمرار رشد تولید نفت ایران در هفته‌ها و ماه‌های آینده بالاست.



مهدی افشارنیک

این‌روزها روی میز کار زنگنه پرونده‌ای باز است شبیه به کارهای سابق او و به‌راه‌انداختن شرکت مینا در دوران وزارت نیرو و پتروپارس در دور اول وزارت نفت. پرونده‌ای که اصل و هسته مرکزی اجرای قراردادهای تازه نفتی به شمار می‌آید. شکل‌گیری شرکت‌های نفتی اکتشاف-تولید (Exploration & Production)، شرکت‌های E&P، در عرف بین‌الملل به آن دسته از شرکت‌های نفتی می‌گویند که در بالادست نفت، مدیریت تولید و اکتشاف و بهره‌برداری از مخزن را بر مبنای مدیریت پروژه و تامین مالی انجام می‌دهند. برای ترجمه به ذهن و فکر ایرانی، باید گفت این شرکت‌ها الزاما دکل ندارند، دکل‌دار

را هدایت می‌کنند. شناورهای اکتشافی ندارند، شناور را مدیریت و هدایت می‌کنند؛ درواقع این نوع شرکت‌ها دارایی به جز نیروی انسانی و دانش فنی ندارند و پیمانکاران و خدمات‌دهنده‌های مختلف در ساخت و خرید و اجرا را مدیریت پروژه می‌کنند. روند تأمین کار بر دانش فنی و فناوری و سرمایه مالی است. ابلاغیه تشکیل این نوع شرکت‌ها در آذرماه گذشته از سوی زنگنه اعلام شد و کارگروه‌های مختلفی برای ارزیابی و شکل‌دهی این شرکت‌ها در داخل تشکیل شد. گویا مراحل پایانی کار طی شده است و طبق اعلام زنگنه خرداد ماه روند تأیید صلاحیت‌ها نهایی می‌شود. اما شکل‌نگرفتن این شرکت‌ها در ایران به دلیل عدم دستور وزیر نفت نبود که با این ابلاغیه موضوع حل شود؛ مشکل اصلی این است که هنوز به یک ذهنیت عمومی در بدنه صنعت نفت در این خصوص نرسیده‌ایم و در خود وزارت نفت هم غیر از وزیر و یکی دو معاونت، دیدی مشترک در مورد نحوه شکل‌گیری این شرکت‌ها وجود ندارد. در عرف بین‌الملل E&P مخزن را در یک دوره بلندمدت در اختیار می‌گیرند و ذخایر آن را در رزرو خود می‌آورند. با وجود منع قانون اساسی دراین‌باره راهکاری که در قراردادهای تازه پیش‌بینی شده است دادن مدیریت بهره‌برداری در دوره‌های زمانی ۱۵- ۱۰ سال و بیشتر به این نوع شرکت‌هاست که دولت همین محدودیت موجب می‌شود شرکت‌های آمریکایی به این عرصه ورود نکنند؛ چون در عرف نفتی آمریکایی، شرکت‌های نفتی بدون رزرو کردن میدان دست به مخزن نمی‌زنند. درواقع چگونگی چفت‌شدن ساختار این نوع شرکت‌ها با قالب قراردادهای IPC، که نوع تازه و جدیدی از قراردادهای خرید خدمت است، جای سؤال و ابهامی اصلی و اساسی است. ما تاکنون به هیچ‌وجه چنین تجربه‌ای در کشور نداشته‌ایم. به زبان دیگر غیر از شرکت ملی نفت ایران، شرکتی کار اکتشاف و بهره‌برداری و مدیریت مخزن را انجام نداده است. این فعالیت‌ها هم نه در قالب یک E&P که در عرف قدیمی شرکت‌های ملی نفت بوده است.

عرف قدیمی سؤال خوبی است. عرف قدیمی نفت، مدیریت مخزن را بر مبنای استراتژی «تخلیه طبیعی»، مدیریت و هدایت می‌کرد و دخالت فناوری چه تزریق آب و گاز و چه حفاری‌های افقی کمترین نقش را دارند با حداقل نقشه‌ی سازنده و راهبردی ندارند. این‌گونه است که ضریب برداشت ما از مخازن نفتی به طور متوسط ۲۵ درصد است. (پایین‌تر هم هست) اما مبنای شکل‌گیری و رشد شرکت‌های E&P بر راهبرد ازادیا برداشت است.

درواقع دیگر دکل و کشتی و تأسیسات برای ازادیا برداشت نقش‌ی حیاتی ندارند، اینها را می‌شود از بازارهای مختلف تهیه کرد؛ آنچه تهیه کردنی و خریدنی نیست و نیاز به زحمت دارد، دانش فنی و فناوری و مدیریت یکپارچه بالادست، از سرمایه‌گذاری گرفته تا به کارگیری فناوری‌های به‌روز و به خطرکردن تیم‌های مختلف کاری است. نمونه این موضوع را می‌توان در تحولی که در بازار نفت آمریکا رخ داد جست‌وجو کرد که ظرف مدت پنج سال تولید نفت آمریکا از پنج به ۱۰ میلیون بشکه رسید. درواقع فناوری شکست سنگ مخزن توسط آب، بسیاری از مخازن نامتعارف نفتی را که با تکنولوژی‌های قدیمی نمی‌شد به تولید رساند، به مرز تولید و بهره‌برداری می‌رساند.

انصافا تحولی عظیم رخ داد، وابستگی کمتر آمریکا به نفت افریقایانه به‌ویژه سعودی‌ها، از مهم‌ترین تأثیرات آن بود و روشی که عربستان به‌درکردن شیل‌ویل‌ها اتخاذ کرد، برآمده از این تحول بود؛ تحولی که دامن ما را هم در کاهش درآمدهای نفتی گرفت.

شرکت E&P یعنی همین، یعنی تحول با دانش و علم مدیریت پروژه. خب، سؤال مهمی که اینجا شکل می‌گیرد، این است؛ ساختار پژوهش در کشور ما این‌قدر قدرتمند است که منجر به تولید دانش فنی شود؟ درواقع دانشگاه‌های مهم کشور مانند شریف، امیرکبیر، تهران و علم‌وصنعت و ... در روشنی از مدیریت مخزن و بهره‌برداری آن و ازادیا برداشت از آن را دارند یا باید این بنیه را نیز به وجود آورد؟ پس شکل‌گیری E&P‌ها بدون ساختار پژوهشی فایده‌گرا در کشورشدنی نیست و این اصلا دست زنگنه نیست. شاید روزی که او در پی شرکتی توربین‌ساز در وزارت نیرو یا GC در نفت بود، به تحول در دیگر بخش‌های کشور نیازی نداشت، اما شکل‌گیری E&P‌ها ماجرای دیگری است.

ابلاغیه پنجم آذر زنگنه درباره تأسیس این

اقتصاد



آیا اتفاقات بزرگ در صنعت نفت ایران رقم می‌خورد

زنگنه دربرابریک آزمون

شرکت‌ها، یک توضیح مهم دارد و آن اینکه خود شرکت ملی نفت که تجربه اکتشاف و بهره‌برداری از مخزن را دارد، قرار است چه کمکی غیر از نظارت بر روند E&P‌ها کند؟ در اینجا سؤال مهم‌تری شکل می‌گیرد که مدخل زنگنه برای توسعه E&P‌هاست.

ایران بر چه قرارومداری است؟ به بیان روشن‌تر، آنچه چالش اصلی زنگنه است، نه شکل‌دهی شرکتی اکتشاف-تولید خارج از وزارت، که منعطف‌کردن و به‌روزرکردن ساختار دولتی نفت و به‌سامان‌کردن شرکت ملی نفت برای حرکت به این سو و سمت است. شرکت‌هایی مانند مناطق نفت‌خیز جنوب، فلات قاره، مناطق مرکزی، همه بهره‌بردارهای باسابقه در ایران هستند که پتانسیل تبدیل‌شدن به E&P را دارند اما آیا قرار است پیوستگی‌شان را با شرکت ملی نفت به این شکل ادامه دهند یا دولت بمانند اما با درجه استقلال بیشتر و توان شریک‌شدن به صورت مجزا و مستقل با شرکت‌های خارجی، از بیژن زنگنه سابقه‌ای چندان روشن از تفکرات لیبرالی و دولت حداقلی دیده نشده

غیر از اعتراض به قیمت پایین بنزین و پرداخت یارانه، اما به‌وفور از او رفتارهای نهادگرایی و توسعه دولتی دیده شده است. راه‌اندازی شرکت‌های دولتی مینا و پتروپارس از این جمله‌اند. ضمن اینکه توسعه عسلیوبه به شکل‌گیری مجتمع‌های بزرگ تولیدی (گازی و پتروشیمی) ختم شد، که بخشی از آن در قالب واگذاری به بخش‌های دیگری از دولت منتقل شد. درواقع او یک نهادگر است، اما توسعه شرکت‌های دولتی ممنوع شده است و دست برای سرمایه‌گذاری و شکل‌دهی‌های مانند سابق بسته است. چنانچه سرنوشت امروز شرکت ملی پتروشیمی در چنین هاله و ابهامی گیر کرده است. اما اگر سرمایه‌گذاری و توسعه شرکت‌های تازه دولتی مقدور نباشد، تحول و به‌روزرسازی قدیمی‌های دولتی چطور؟ یعنی مناطق نفت‌خیز جنوب به شرکتی بدل

شود که دولتی‌بودن خود را حفظ کند اما در ارتباط و ملحق‌شدن به شرکت‌های بین‌المللی خودمختار باشد و تصمیم‌گیری برادر بزرگ‌تر نباشد... این روش شکل‌گیری E&P‌ها البته مسائل خاص خود را دارد. ازجمله اینکه معمولاً بهره‌بردارها بسیار محافظه‌کار و بسته عمل می‌کنند و هر تحولی را به‌سختی قبول می‌کنند و انواع مقاومت را از خود نشان می‌دهند. ضمن اینکه مهندسان مناطق دربارۀ ازادیا برداشت، صاحب سخن و مدعی هستند به اندازه و قاعده جهانی اکنون ازادیا برداشت داریم.

راه دیگر که می‌توان متصور بود و باز گرایشات دولتی دارد ولی تحول ساختاری در شرکت ملی نفت را نیاز ندارد، تشویق و هدایت شرکت‌هایی مانند پتروپارس، اوپک، تأسیسات دریایی و پتروایران به سوی E&P است. با اینکه باز این شرکت‌ها دولتی هستند اما چون خارج از چارت و ساختار نفت عمل کرده و می‌کنند، راحت‌تر می‌توانند گام‌های ساختاری در این زمینه را بردارند. به‌هر رو دانش بهره‌برداری و رفتار با مخزن در داخل کشور در انحصار شرکت نفت است و دیگران (بخش‌های غیردولتی) باید بیاموزند. مسئله ساختار دولتی لخت و سنگین این شرکت‌ها معضل بسیار سختی است. اما با توجه به پیشینه و کوشش اقتصاد سیاسی زنگنه، به نظر می‌رسد شکل‌گیری E&P‌های دولتی محتمل‌تر از شکل‌گیری خصوصی‌هاست. نکته مهم‌تر اینکه در کنار E&P‌ها صنعت نفت به GC‌ها، EPC‌ها هم نیاز دارد و نیازی نیست که همه به شرکتی اکتشاف تولید بدل شوند.

تجربه ثبت‌شده نشان می‌دهد در دور اول وزارت نفت هم زنگنه با این روش تحول ایجاد کرد، چراکه اولین فاز پارس جنوبی را به شرکتی داد که تازه تأسیس کرده بود و از مدیریت مگا پروژه هیچ نمی‌دانست اما به‌هر رو کار انجام شد و پالایشگاه فاز یک، در زمستان ۸۳ به بهره‌برداری رسید. از همه این چالش‌ها که عبور کنیم، مدل مشارکت با شریک‌های خارجی محل منازعه و چالش است. بنای این روند این است که ما در این حوزه کم‌تجربه‌ایم، اگر مدیریت مخزن را بلدیم، مدیریت پروژه، فناوری روز، سرمایه‌های لازم و به کارگیری مهندسی مالی و اعتبارسازی را نیاموخه‌ایم و بلد نیستیم و شریک خارجی در این وادی باید برادر بزرگ‌تر باشد. چنین نقشه و جغرافیایی به نظر می‌آید پیاده‌سازی‌اش با چالش‌های سیاسی و این‌قبیل توسلات روبه‌رو شود. طبق آنچه بیان و شنیده شده، قرار است E&P‌های ایرانی تا دور اول برگزاری مناقصه در قالب قراردادهای تازه شکل بگیرند و این شرکت‌ها با E&P‌های خارجی جوینت و برنده شوند و صاحب مخزن شوند. که رمز عبور قراردادهای تازه شکل‌گیری این شرکت‌هاست. به نظر‌تان این اتفاق‌ها همه در سال ۹۵ می‌افتند؟ سال پیش‌رو آخرین سال کاری دولت است و به اتفاق‌های بزرگ اقتصادی نیاز دارد تا نشان دهد داشتن مجلسی همسو و رفع تحریم‌ها چقدر در توفیق یا توفیق‌داشتن یک دولت مهم است. با این توضیحات آیا اتفاق بزرگ در نفت ایران رقم می‌خورد؟ یا اینکه جگ حیدری - نعمتی در نفت راه می‌افتد و دو، سه سال بزرگان نفت در رسانه‌ها به هم پاسخ می‌دهند و نهایت هم هیچ. تأسیس E&P‌ها و گره‌خوردن اجرای قراردادهای تازه نفتی با این شکل‌گیری، مسیری است سخت و پرچالش؛ وزیری که دولتی توسعه می‌دهد و دولتی که فرجه است و سنگین و فقط یک‌سال برای کار مانده است. سال ۹۵ آیا اتفاق بزرگ در نفت رقم می‌خورد؟

همچنان بسته بماند؛ چراکه نه‌تنها بزرگ‌ترین ابزار خروج از تنگنای اعتباری را از دولت سلب می‌کند، بلکه بازار چنان‌که که بیشتر برنامه‌ریزی شده بود، بزرگ نخواهد شد. در شرایط فعلی که قیمت نفت گدشته، رشد ۲۵ درصدی بوده‌سته سابق است. سؤال این است که این افزایش درآمدهای مالیات را چگونه می‌خواهند تأمین کنند؟ آیا از اقتصاد رکودزده کشور می‌خواهند این رقم را تأمین کنند یا از محل افزایش و گسترش پایه‌های مالیاتی جدید؟ به نظر می‌رسد این مسئله مهم‌ترین مخاطره بودجه برای اقتصاد کشور در سال ۹۵ باشد. بودجه سال ۹۵ در مقایسه با بودجه ۱۳۹۴ انبساطی بوده و در آن محرک‌های اقتصاد نظیر افزایش بودجه عمرانی، افزایش مالیات بر واردات و افزایش انتشار اوراق بهادار دیده شده است. اما اینکه در عمل این عوامل بر رونق اقتصادی سال ۹۵ چه میزان اثرگذار خواهند بود به عملکرد این بخش‌ها بستگی دارد. انتشار اوراق بهادار برای بازپرداخت بدهی دولت از طرفی می‌تواند نقدینگی پیمانکاران را افزایش دهد و به تولید یفزاید. همچنین مالیات بر واردات منجر به افزایش هزینه واردات و در نتیجه کاهش آنها شده و حمایتی برای تولیدکنندگان داخلی خواهند بود. اگر افزایش مالیات بر واردات از طریق افزایش نرخ ارز صورت گیرد محرکی برای صادرات نیز هست. افزایش بودجه‌های عمرانی به عنوان بخش محرک چندگانه اقتصاد نیز می‌تواند دولت را در راستای تحقق رشد اقتصادی شش درصدی پیش‌بینی‌شده در بودجه و برنامه توسعه ششم کمک کند.

آیا بودجه ۹۵ می‌تواند رونق و تحرک را به اقتصاد کشورمان بازگرداند؟

اینکه در سال ۹۴ از میزان مالیات مقرر در بودجه تقریباً بین ۸۰ تا ۹۰ درصد محقق شده است، اما باز هم دریافت رقم بالاتری را برای سال ۹۵ پیش‌بینی کرده‌اند. این رقم در مقایسه با عملکرد سال گذشته، رشد ۲۵ درصدی داشته است. سؤال این است که این افزایش درآمدهای مالیات را چگونه می‌خواهند تأمین کنند؟ آیا از اقتصاد رکودزده کشور می‌خواهند این رقم را تأمین کنند یا از محل افزایش و گسترش پایه‌های مالیاتی جدید؟ به نظر می‌رسد این مسئله مهم‌ترین مخاطره بودجه برای اقتصاد کشور در سال ۹۵ باشد. بودجه سال ۹۵ در مقایسه با بودجه ۱۳۹۴ انبساطی بوده و در آن محرک‌های اقتصاد نظیر افزایش بودجه عمرانی، افزایش مالیات بر واردات و افزایش انتشار اوراق بهادار دیده شده است. اما اینکه در عمل این عوامل بر رونق اقتصادی سال ۹۵ چه میزان اثرگذار خواهند بود به عملکرد این بخش‌ها بستگی دارد. انتشار اوراق بهادار برای بازپرداخت بدهی دولت از طرفی می‌تواند نقدینگی پیمانکاران را افزایش دهد و به تولید یفزاید. همچنین مالیات بر واردات منجر به افزایش هزینه واردات و در نتیجه کاهش آنها شده و حمایتی برای تولیدکنندگان داخلی خواهند بود. اگر افزایش مالیات بر واردات از طریق افزایش نرخ ارز صورت گیرد محرکی برای صادرات نیز هست. افزایش بودجه‌های عمرانی به عنوان بخش محرک چندگانه اقتصاد نیز می‌تواند دولت را در راستای تحقق رشد اقتصادی شش درصدی پیش‌بینی‌شده در بودجه و برنامه توسعه ششم کمک کند.

گزارش

کارگران بندر فریدونکنار ۶ماه حقوق نگرفته‌اند

● **مهز:** منتخب مردم بابلسر و فریدونکناردر مجلس‌دهم، بندر فریدونکنار را از ظرفیت‌های خوب اقتصادی در استان مازندران خواند و خبر داد شش ماه است که کارگران این بندر حقوق نمی‌گیرند. ولی‌الله ناناوکناری شبهه‌شب در جمع مسئولان استان مازندران، ضمن برشمردن ظرفیت‌های نفتی و شیلات دریای خزر، گفت: متأسفانه بهره‌گیری از ظرفیت‌های دریای مازندران در مسیر توسعه اقتصادی استان و کشور مغفول مانده است. وی افزود: مازندران زمانی مهاجرپذیر بود ولی اکنون به جایی رسیده است که مهاجر جمع استان‌های دیگر می‌فرستند. منتخب مردم بابلسر و فریدونکنار در مجلس‌دهم، با اشاره به ظرفیت عظیم دریای خزر، گفت: هیچ‌گاه در استان مازندران از ظرفیت دریای خزر در راستای توسعه اقتصادی استان، استفاده مطلوب نشده است. ناناوکناری ادامه داد: گونه‌های بسیار زیادی از ماهیان دریای خزر منقرض شده و اکنون کسب‌وکار صیادان مازندرانی از دریای بی‌کران خزر دچار مشکلات عدیده‌ای است. وی، به بتانسیل انرژی و استخراج نفت حاشیه دریای خزر اشاره و بیان کرد: هیچ‌گاه از این ظرفیت نیز استفاده نشده و این در حالی است که این پتانسیل می‌تواند سهم بزرگی در توسعه اقتصادی کشور و الیزر شمالی داشته باشد. منتخب مردم بابلسر و فریدونکنار در مجلس‌دهم، با ابراز نگرانی از نرخ بی‌کاری مازندران، گفت: نرخ بی‌کاری مازندران در کشور رتبه بالایی دارد و لازم است برای رفع این مشکلات تدابیری اندیشیده شود. ناناوکناری ضمن قدردانی از تیم مذاکره‌کننده برجام، گفت: متأسفانه در استان مازندران طرح‌های نیمه‌تمامی وجود دارد که سابقه‌اش به ۲۰ سال می‌رسد و برای اجرا، مشکلات فراوانی دارند. وی ادامه داد: بندر فریدونکنار ظرفیت بسیار خوب اقتصادی استان محسوب می‌شود ولی شش ماه است که کارگران این بندر حقوق نمی‌گیرند و برخی خانواده‌ها حتی برای تهیه نان شب مشکل دارند.

مصرف‌روانه‌بنزین ازمرز۸۵ میلیون لیترگذشت

● **ایسنا:** میانگین مصرف روزانه بنزین اردیبهشت‌ماه امسال از مرز ۸۵ میلیون لیتر گذشت. آمارهای شرکت پالایش و پخش فراورده‌های نفتی نشان می‌دهد میانگین مصرف بنزین از ابتدای اردیبهشت‌ماه امسال با ۲،۵ درصد رشد به ۸۵ میلیون و ۸۰۰ هزار لیتر رسید، درحالی‌که مصرف روزانه بنزین در مدت مشابه سال گذشته ۷۰میلیون و ۸۰۰هزار لیتر بود.

واکنش بانک مرکزی به شایعه اخذکارمزد کارت‌خوان

● **ايرنا:** داود محمدییکي درباره برخی شایعات منتشرشده در بازار مبنی بر اخذ کارمزد ۹درصدی از تراکنش بانکی دستگاه‌های کارت‌خوان (POS) مربوط به اصناف تصریح کرد: از طرف بانک مرکزی و نظام بانکی، هیچ تغییری در کارمزد تراکنش‌های خرید پایانه‌های فروشگاهی برای مشتریان و دارندگان دستگاه‌های کارت‌خوان نداشتیم. برخی از شهروندان در تماس با ما اعلام کردند، برخی از کسبه و مغازه‌داران به دلیل آنکه بعد از کشتیدن کارت در دستگاه با کسر کارمزد مواجه شده‌اند، دیگر از دستگاه‌های کارت‌خوان استفاده نمی‌کنند و از مشتریان پول نقد درخواست می‌کنند. این مقام مسئول در بانک مرکزی افزود: احتمال دارد کسر کارمزد مربوط به موارد دیگری باشد.

افزایش ۷۰۰میلیاردتومانیدرآمد سالانه‌مخابرات

● **فارس:** عضو هیات‌مدیره مخابرات ایران گفت: از محل مصوبه جدید واگذاری امکانات مخابراتی و پیشنهاد افزایش هزینه ثبت‌نام تلفن ثابت به ۲۵۰ هزار تومان و افزایش آیفونمان در مجموع ۷۰۰ میلیارد تومان، افزایش درآمد سالانه برای مخابرات پیش‌بینی می‌شود. لطیف وصلی با اشاره به پیشنهاد جدید مخابرات برای تغییر تعرفه تلفن ثابت، اظهار کرد: این افزایش در دو بخش هزینه ثبت‌نام که به ۲۵۰ هزار تومان رسید و افزایش آیفونمان در چهار سطح با ثبت تعرفه مکالمات بوده است. پیش‌بینی می‌شود با این تغییر، سالانه ۷۰۰ میلیارد تومان به درآمد مخابرات اضافه شود. همچنین افزایش درآمد سالانه ۱۰۰میلیاردتومان‌ی نیز از محل مصوبه جدید کمیسیون تنظیم‌مقررات برای واگذاری امکانات مخابرات به اپراتورها پیش‌بینی می‌شود. وی در پاسخ به این سوال که آیا این پیش‌بینی با توجه به شرایط بازار قابل‌تحقق است، گفت: بازار تلفن ثابت کشش مشتریان جدید را دارد؛ علاوه بر این در الحاقیه‌ای که سازمان تنظیم مقررات رادیویی به پروانه شرکت مخابرات ایران افزوده، دایری سالانه ۵۰۰ هزار مشترک جدید تلفن ثابت افزود؛ بدین‌گونه، وصولی علاوه بر این هم‌اکنون شش میلیون خط تلفن ثابت بدون نیاز به در کشور وجود دارد که با وجود سرمایه‌گذاری مخابرات برای دایری این خطوط، درآمدی از آنها ندارد. وی ادامه داد: افزایش هزینه آیفونمان شاید باعث شود مشترکانی که از خطوط خود استفاده نمی‌کنند، آنها را به مخابرات بازگردانند.